

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: علی کاظمی

۱۵ مارچ ۲۰۱۱

گفت و گو های پنهان بین امریکا و جمهوری اسلامی

مقدمه –

در تابستان ۲۰۰۹ و پس از انتخابات قلابی ریاست جمهوری در ایران، میلیونها نفر از مردم به جان آمده کشورمان به خیابانها آمدند و رژیم ولایت فقیه را تا آستانه سقوط به عقب راندند. در همان حال، باراک اوباما برای مذاکرات هسته ای و معامله با سرکوبگران حاکم بر کشورمان آماده میشد و به جای حمایت صریح و روشن از جنبش عظیم مردم ایران، به بیانیه های خشک و بی معنا بسنده کرد تا مبادا باعث رنجش خامنه ای شده و سازش خیالی با وی نقش بر آب شود. مردمی که با شعار "اوباما، اوباما، با اونا یا با ما" از رئیس جمهور امریکا تقاضای کمک میکردند، نمیدانستند که از یکسال قبل از آن، اوباما مذاکرات پنهان خویش با احمدی نژاد را شروع کرده و در توهم معامله با رژیم ایران فرو رفته بود. یکی از این ملاقات های پنهان، در اگست ۲۰۰۸ یعنی سه ماه قبل از پیروزی اوباما در انتخابات ریاست جمهوری برگزار شد و هیأتی از طرف احمدی نژاد و به سرپرستی مشاور ارشد او "مجتبی هاشمی ثمره" در شهر لاهه در هلند با گروهی از سیاستمداران امریکائی مذاکره نمود. دو ماه بعد در دسمبر، هنگامیکه اوباما به ریاست جمهوری امریکا انتخاب شده بود، یک بار دیگر هیأتی به سرپرستی "هاشمی ثمره" در شهر وین با گروهی از مشاوران اوباما دیدار و گفتگو کردند. مسؤولیت گروه امریکائی را ویلیام پری وزیر دفاع سابق امریکا و مسؤول امنیت ملی در تیم انتخاباتی اوباما به عهده داشت و چند تن از نمایندگان کنگره نیز در آن حضور داشتند.

ملاقات های پنهان بین رژیم ایران و امریکا در سال ۲۰۰۹ نیز ادامه یافت من جمله در اپریل و تنها چند هفته قبل از نمایش انتخابات ریاست جمهوری در ایران، مجددا گروهی از وابستگان رژیم با یک هیأت امریکائی در لیختن اشتاین دیدار و گفتگو کردند. ژنرال آیکنبری (Karl Eikenberry) که به تازگی به عنوان سفير اوباما در افغانستان منصوب شده بود نیز در این دیدار حضور داشت. یکی از کسانی که در ۲ دیدار با هاشمی ثمره (و ملاقات های دیگر با احمدی نژاد، رحیم مشائی و محمد خزائی سفير کنونی رژیم در سازمان ملل) شرکت داشت تریتا پارسی رئیس سازمان "نایاک" بود که شخصا برای این ملاقات های پنهان با نمایندگان احمدی نژاد دلالتی و

بازارگر می‌میکرد. برخی از جزئیات این دیدارها و همچنین مذاکرات و بده بستان های دیگر بین امریکا و نمایندگان رژیم ایران، از جمله اسنادی است که در جریان شکایت حقوقی لابی طرفدار رژیم ایران از من، به دست آمده است. اسناد دادگاه تا نیمه سال ۲۰۰۹ را شامل میشود، و از همین رو، مذاکراتی که بعد از این تاریخ انجام گرفته است هنوز مورد کنکاش قرار نگرفته اند. اوباما که به نتیجه بخش بودن مذاکرات هسته‌ای امید زیادی داشت، از همان فردای ورود به کاخ سفید وارد عمل شد و با ارسال دو نامه محرمانه ۱ به خامنه‌ای و پخش پیام ویدئویی و تبریک نوروز، راه را برای سازش خیالی بین دو کشور فراهم میکرد. چند ماه بعد، و در اوج جنبش مردمی در ایران، هیلاری کلinton که در حال تدارک مذاکرات هسته‌ای با جلیلی در ژنو بود، چند "کارشناس" ایرانی را برای مشورت و صرف شام ۲ به وزارت خارجه دعوت کرد. هر ۷ نفر کارشناسی که نامشان در رسانه‌ها منتشر شد همگی طرفدار کنارآمدن و همزیستی با حکومت ایران بودند و اکثر آنان در مذاکرات پنهان بین امریکا با رژیم شرکت و یا نقش فعال داشتند. در طول جنبش نیز، همین کارشناسان به اوباما اندرز میدادند که با حفظ "بیطرفی"، منتظر بماند تا "گرد و خاک" در کشورمان فرو نشیند تا سازش با خامنه‌ای به طور کامل انجام پذیرد. ارزیابی نادرست اوباما از ساختار و ماهیت رژیم ایران، به میزان زیادی محصول و زائیده لابی بسیار گسترده‌ای بود که توسط برخی از محافل بانفوذ واشنگتن و به خصوص کمپانی‌های بزرگ امریکا در دوران جرج بوش شروع شد و با پیروزی حزب دموکرات در انتخابات کنگره در سال ۲۰۰۶ اوج گرفت. این لابی با صلح طلب نشان دادن حکومت ایران، گناه بن بست در روابط ایران و امریکا را به گردن جرج بوش و جنگ طلبی وی انداخت و به تبلیغ این نظریه پرداخت که اگر فرد دیگری در کاخ سفید قرار گیرد، سازش و معامله با رژیم ایران به آسانی در دسترس قرار دارد. از سال ۲۰۰۷ به بعد، لابی طرفدار ممانعت با انتشار دهها گزارش و برگزاری کنفرانس و سمینارهای متعدد، تبلیغات خود را روی سه موضوع متمرکز نمود: اولاً رژیم ایران با ثبات است و هیچ تهدید جدی در مقابل آن قرار ندارد. ثانیاً مردم ایران در اکثریت بزرگ خود، خواهان اصلاحات در درون همین نظام میباشند و تغییر رژیم یا سرنگونی از هیچ حمایت جدی در جامعه ایران برخوردار نیست. ثالثاً، امریکا که تاکنون به دنبال معامله و سازش با اصلاح طلبان یا میانه‌روهای رژیم بوده، باید از این پس با خامنه‌ای و احمدی‌نژاد مذاکره و گفتگو نماید. لابی ممانعت با راه اندازی دیدارهای پشت پرده و تبلیغ روی ثبات رژیم و آمادگی اش برای سازش، و با این استدلال که سختگیری و تحریم باعث رنجش رژیم ایران و از بین رفتن چشم انداز توافق بین دو کشور خواهد شد، توانست از سال ۲۰۰۷ تا نیمه ۲۰۱۰، از اعمال فشار علیه ایران جلوگیری کرده و در جریان جنبش نیز جلوی حمایت جدی امریکا و اروپا از مبارزات دموکراسی خواهانه مردم ایران را بگیرد. پیشینه مذاکرات پنهان بین دو کشور مذاکرات پنهان و منظم بین نمایندگان امریکا و فرستادگان جمهوری اسلامی از سالها قبل جریان داشت و بخشی جدائی ناپذیر از لابی گسترده‌ای بود که از سال ۱۹۹۷ توسط کمپانی‌های بزرگ امریکا به راه افتاد که هدف اصلی آن برداشتن تحریم‌های اقتصادی و بازکردن راههای کسب و تجارت با جمهوری اسلامی بود.

در این سال لابی کمپانی‌های بزرگ امریکا به نام USA*Engage آغاز به کار کرد و در همین راستا و به منظور مشروعیت بخشیدن به فعالیت‌های این لابی، گروههای ریز و درشتی تحت نام ایرانیان مقیم امریکا شروع به فعالیت نمودند. (نگاه کنید به بخشی از اسناد دادگاه ۳: رابطه نایاک با لابی کمپانی‌های بزرگ) از سال ۹۷ تا ۲۰۰۱ این لابی به عنوان بانفوذترین گروه فشار در واشنگتن، سیاست امریکا در رابطه با ایران را هدایت میکرد. در این دوره، بیل کلinton دست دوستی به سوی جمهوری اسلامی دراز کرد اما با بی‌توجهی رژیم مواجه شد و به

همین دلیل نیز لابی مماشات در میانه سال ۲۰۰۱ ضعیف و ناکارآمد گردید. با شکست لابی مماشات و به دنبال حملات تروریستی القاعده در سپتامبر ۲۰۰۱، احتمال تیره شدن روابط بین آمریکا با جمهوری اسلامی افزایش یافت و از همین رو، محافل طرفدار دوستی با رژیم ایران که تا این زمان پشتیبان اصلی لابی مماشات بودند، وارد عمل شدند و با راه اندازی مذاکرات پشت پرده و با باز نگاه داشتن دربهای گفت و گو بین دو کشور از تغییر سیاست آمریکا و اتخاذ سیاست های خصمانه علیه رژیم جلوگیری نمودند. با توجه به افشای برنامه هسته ای جمهوری اسلامی در سال ۲۰۰۲ و همچنین کارزار گسترده ضد امریکائی رژیم در عراق، میتوان به جایگاه ویژه این مذاکرات پنهان برای فریب دادن سیاستمداران امریکائی در جهت ادامه سیاست مماشات با حاکمان تهران واقف شد. مذاکرات پنهان در باره افغانستان و عراق (۲۰۰۱ تا ۲۰۰۳) ۴ در سپتامبر ۲۰۰۱ و به دنبال حملات تروریستی القاعده در نیویورک، آمریکا برای حمله به افغانستان آماده میشد و به کمک رژیم ایران احتیاج داشت و در نتیجه، مذاکرات پنهان با نمایندگان دولت ایران را شروع کرد. این مذاکرات که رسمی اما غیر علنی بود، پس از اشغال افغانستان ادامه یافت و به همکاری برای حمله به عراق و تشکیل رژیم آینده این کشور نیز گسترش داده شد. این دسته از مذاکرات در ماه مه ۲۰۰۳ از طرف جرج بوش خاتمه یافت. از طرف آمریکا رایان کروکر (وزارت خارجه) و زلمای خلیل زاد (نماینده کاخ سفید) در این مذاکرات شرکت داشتند و از طرف ایران نیز محمد جواد ظریف (سفیر رژیم در سازمان ملل) و کمال خرازی (وزیر خارجه) حضور داشتند. اگرچه ۷ سال پس از پایان این مذاکرات هنوز از میزان بده و بستان بین دو کشور در آن دوره اطلاع کاملی در دست نیست اما آنطور که هیلاری من لورت (Hillary Mann Leverett) یکی از مسؤولان آندوره وزارت خارجه آمریکا در مقاله خود ۵ در سال گذشته نوشت، یکی از امتیازاتی که بوش به ایران داد بمباران قرارگاه اشرف متعلق به مجاهدین خلق بود. مذاکرات با جناح رفسنجانی و خاتمی (۲۰۰۱ تا ۲۰۰۸) ۶ همزمان با مذاکرات دو کشور بر سر افغانستان و عراق، بنیاد برادران راکفلر که یکی از اصلی ترین حامیان دوستی و همزیستی با رژیم ایران است به همراه محافل بانفوذیکه برای برداشتن تحریم علیه ایران فعالیت میکنند وارد عمل شد و سلسله دیدارهای پنهان و غیر رسمی بین امریکائیان و وابستگان رژیم را آغاز نمود. سازمان امریکائی USA Association of the United Nations مسؤولیت برگزاری این دیدارها و دعوت از شرکت کنندگان را به عهده گرفت. در این دوره ۱۴ دیدار برگزار شد که اکثر آن در سوئد و با همکاری مؤسسه International Peace Research Institute Stockholm بود. سرپرستی گروههای امریکائی را توماس پیکرینگ (Tom Pickering) و ویلیام لورز (William Luers) به عهده داشتند. پیکرینگ معاون کمپانی بونینگ و از اعضای اصلی شورای امریکائی- ایرانی به مدیریت هوشنگ امیر احمدی بود و همواره برای لغو تحریم های اقتصادی علیه ایران فعالیت میکرد. وی دو سال پیش به شورای نایاک به ریاست تربیتا پارسی پیوست. شرکت کنندگان ایرانی در این مذاکرات از طرف مجمع تشخیص مصلحت (رفسنجانی) و "دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه" که در کنترل دوستان رفسنجانی و خاتمی قرار داشت، انتخاب میشدند. آخرین دیدار این دوره در فبروری ۲۰۰۸ برگزار گردید. در سال ۲۰۰۷، احمدی نژاد روند تصفیه و حذف جناح رفسنجانی را به طور جدی در دستور کار خود قرار داد و برای قطع نفوذ این جناح در خارج از کشور و به خصوص آمریکا وارد عمل شد. در اولین گام هاله اسفندیاری و چند تن از دوستان وی که در مذاکرات مرادوات پنهان بین آمریکا با جناح اصلاح طلب و رفسنجانی نقشی جدی داشتند دستگیر و مورد غضب قرار گرفتند. به دنبال آن، منوچهر متکی به طرفهای امریکائی اطلاع داد که گفتگوهای پنهان تا اطلاع ثانوی تعطیل

خواهند شد. دو ماه بعد در اپریل ۲۰۰۸ استفان هاینز (Stephen Heintz) رئیس "بنیاد برادران راکفلر" برای جلب نظر مقامات ایران و راه اندازی مجدد این دیدارها به تهران رفت و قرار شد که در دور جدید مذاکرات نمایندگان جناح مسلط در کشور یعنی وابستگان احمدی نژاد شرکت کنند. دیدارها و مذاکرات پنهان در این دوره اگرچه به طور رسمی هیچ نتیجه ای نداشت ولی ادامه آن باعث میشد که امید سازش با رژیم ایران همیشه زنده نگاه داشته شده و از سخت تر شدن سیاست امریکا جلوگیری نماید. در سال ۲۰۰۵ هیأت ایرانی و امریکائی مشترکا طرحی برای حل مسأله اتمی ایران ارائه کردند که ادامه غنی سازی در ایران یکی از محور های اصلی آن بود. این پیشنهاد به جایی نرسید زیرا در نیمه ۲۰۰۵ احمدی نژاد رئیس جمهور شد و طرف های ایرانی که در تهیه این طرح شرکت داشتند از ساختار قدرت اخراج شدند. آنطور که مسؤولان بنیاد راکفلر بیان داشته اند، تمامی این دیدارهای پنهان بین دو کشور با اطلاع کاخ سفید و وزارت خارجه امریکا بود و قبل و بعد از هر ملاقات، مسؤولان در جریان مسائل مطرح شده و میزان پیشرفت آنها قرار می گرفتند.

دوران احمدی نژاد و نقش کلیدی تریتا پارسی از اواخر سال ۲۰۰۵ و به خاطر سیاست های غلط جرج بوش در خاورمیانه، گروههای ضد جنگ امریکا در ائتلافی گردهم آمدند تا از شروع یک جنگ دیگر علیه ایران جلوگیری کنند. سازمان نایاک و همچنین "کاسمی" که مستقیما با عوامل رژیم ایران همکاری میکردند به این گروهها پیوستند و تریتا پارسی توانست متحد اصلی خود یعنی لابی کمپانی های بزرگ امریکا و در رأس آن USA*Engage را وارد این ائتلاف کند. این مجموعه که (CNAPI Campaign for a new American policy on Iran) "کارزار برای یک سیاست جدید در مورد ایران" نام دارد از سال ۲۰۰۸ تحت کنترل نایاک قرار گرفت و توانست آنرا به یک لابی تمام عیار در جهت جلوگیری از فشار و تحریم علیه جمهوری اسلامی تبدیل نماید. بخشی از اسناد داخلی مربوط به این لابی را که از طریق دادگاه به دست آورده ام در این دو آدرس قرار داده ام: (سند اول ۷ - سند دوم ۸) اسناد داخلی نایاک نشان میدهد که از اولین روزهای ۲۰۰۶، تریتا پارسی و متحدین امریکائی اش، تلاش خود را روی صلح طلب نشان دادن رژیم ایران و آمادگی اش برای مذاکره و سازش متمرکز کرده بودند. یکی از مهمترین برگهای تبلیغاتی که مورد استفاده آنان قرار گرفت، پیشنهاد موسوم به معامله بزرگ بود که سه سال قبل از آن یعنی در سال ۲۰۰۳ توسط صادق خرازی (سفیر رژیم در فرانسه) نوشته و از طریق کارفرمای تریتا پارسی (باب نی نماینده کنگره) به کاخ سفید فرستاده شد و با بی اعتنائی جرج بوش مواجه گشت. نگاهی کوتاه به بخشی از اسناد دادگاه، کارزار تبلیغی لابی مماشات را در معرض دید قرار میدهد: (نگاه کنید به مکاتبات تریتا پارسی و محمد جواد ظریف ۹، سفیر احمدی نژاد در سازمان ملل) ۲۸ مارچ ۲۰۰۶ تریتا پارسی به طور جداگانه با محمد جواد ظریف (سفیر احمدی نژاد در سازمان ملل) و همچنین محمد نهاوندیان (دستیار علی لاریجانی) در نیویورک دیدار نمود. جواد ظریف نسخه ای از پیشنهاد معامله بزرگ را برای انتشار در اختیار "پارسی" قرار داد. چند هفته پس از دیدار با ظریف، تریتا پارسی و گارت پورتر (یکی از روزنامه نگاران چپ امریکائی) مشترکا "پروژه مذاکره با ایران" را راه اندازی نمودند. بر طبق ایمیل و سندی که ضمیمه آن شده، قرار بود که این پروژه ۹ ماه یعنی تا مارچ ۲۰۰۷ ادامه داشته باشد و این دو نفر نزدیک به ۹۰۰۰۰ دلار بودجه برای آن اختصاص داده اند. تریتا پارسی مسؤول این پروژه بود و برای تبلیغ رابطه خود با سران رژیم میگوید:

"به ندرت میتوان تحلیلگری در واشنگتن پیدا کرد که مانند دکتر پارسی تا این میزان به مسؤولین اصلی رژیم ایران دسترسی داشته باشد." (نگاه کنید به این سند: "پروژه مذاکره با ایران" ۱۰) یک هفته بعد در ۱۹ مه، پارسی در

ایمیل خود به ظریف نتیجه فعالیت های خود را گزارش می دهد و می گوید که با کمک دوستانش در حال راه اندازی دو کنفرانس است که ظریف در آنها سخنرانی نماید. در همین زمان انتشار و تبلیغ روی داستان معامله بزرگ و آمادگی رژیم برای صلح و سازش با امریکا از طرف پارسی و متحدان وی شروع شد. گارت پورتر در مقاله ای ۱۱ در نشریه "آنتی وار. دات کام"، پیشنهاد معامله بزرگ را برای اولین بار به صورت دقیق شرح داد و نوشت:

"تریتا پارسی که متخصص سیاست خارجی ایران در دانشگاه جان هاپکینز است نسخه ای از این سند را در اختیار ما قرار داد و گفت که آنرا در اوائل سال جاری از یکی از مقامات ایران گرفته است ولی نمیتواند نام وی را فاش کند" سه هفته بعد، گلن کسلر خبرنگار واشنگتن پست نیز با دریافت نسخه ای از این پیشنهاد که توسط پارسی در اختیارش قرار گرفته مقاله مفصلی ۱۲ مورد داستان معامله بزرگ می نویسد و یکبار دیگر روی آمادگی رژیم ایران برای صلح و همچنین بی توجهی جرج بوش به آشتی جوئی ایران تأکید میکند. گلن کسلر نیز می گوید که یکی از مقامات رژیم، نسخه ای از این پیشنهاد را به تریتا پارسی داده است. ۱۴ فلروری ۲۰۰۷ نایاک و New American Foundation کنفرانس مهمی ۱۳ در کنگره برگزار کردند که تریتا پارسی، فلینت لورت و لورانس ویلکرسون رئیس دفتر وزیر خارجه (کالین پاول) در آن سخنرانی نمودند و آمادگی رژیم ایران برای صلح در سال ۲۰۰۳ و بی اعتنائی جرج بوش به آشتی جوئی ایران را مورد تأکید قرار دادند. در ۲۳ اگست جواد ظریف که به ایران رفته است به نیویورک بازگشت و تریتا پارسی در ایمیلی که به او فرستاد تقاضا کرد تا پیشنهادی را که ظریف با خود آورده مشاهده کند. پارسی در ایمیل خود نوشت که احتمالا نمایندگان کنگره از این پیشنهاد خوششان میآید:

"امیدوارم که حالتان خوب باشد و از تهران بازگشته اید. خیلی دلم میخواهد که بتوانم پیشنهاد را ببینم یا از محتوای آن باخبر شوم. اگر این پیشنهاد قابل توجه باشد، نمایندگان کنگره آنرا پیشنهادی منطقی خواهند یافت حتی اگر کاخ سفید خوشش نیاید." روز ۲۵ اکتبر تریتا پارسی دو نفر از نمایندگان دموکرات کنگره را به ظریف معرفی میکند و میگوید اینها مخالف جرج بوش هستند و تمایل دارند با ظریف دیدار داشته باشند. در این ایمیل تریتا پارسی هدف نمایندگان از دیدار با ظریف را توضیح میدهد و در پایان نیز هدف مشترک خودش و ظریف برای اینگونه مذاکرات و دیدارها را به روشنی بیان میکند:

"کاهش تنش بین دو کشور بسیار ضروری است زیرا از اینطریق میتوان به اهداف داخلی و منطقه ئی دست یافت." "ازاینکه شما با گیلکرس و لیچ دیدار خواهید کرد خوشحال شدم. خیلی از نمایندگان دیگر کنگره هم هستند که خواهان دیدار با شما هستند که بسیاری از آنان دموکراتهای بسیار مورد احترامی هستند. بنابه برخی دلایل این نمایندگان مستقیما با شما تماس خواهند گرفت. هدف نهائی آنان دیدار با نمایندگان مجلس در ایران است. این گروه از اعضای کنگره از سیاست خارجی جرج بوش بسیار ناراضی اند و نمی خواهند که همینطور ساکت بنشینند تا بوش موقعیت امریکا در جهان را خرابتر کند. این افراد مایلند که وارد عمل شوند و حاضر به ریسک پذیری در این زمینه نیز هستند. دلیل ما نیز برای اینکار این است که معتقدیم دیالوگ برای هر دو طرف مفید است زیرا کاهش تنش برای دستیابی به اهداف منطقه ئی و اهداف داخلی بسیار ضروری است." ظریف نیز در ایمیل خود از پارسی برای ترتیب دادن این دیدارها تشکر میکند و اجرای جزئیات آنرا به وی واگذار مینماید. تلاش های تریتا پارسی و متحدان وی برای صلح طلب نشان دادن رژیم و همچنین تلاش در جهت وصل کردن نمایندگان کنگره به سفیر رژیم

در سازمان ملل بی اثر نبود و همانطور که اسناد دادگاه نشان میدهد، بسیاری از نمایندگان کنگره از حزب دموکرات با ظریف تماس و ارتباط فعال داشتند. "سام گاردینر" (Sam Gardiner) یکی از کارشناسان سیاسی واشنگتن و از هواداران دوستی با رژیم ایران که در جریان دادگاه به نفع تریتا پارسی گزارشی نوشته است، در شهادت رسمی خود به جلساتی که توسط نمایندگان دموکرات کنگره برای مقابله با سیاست جرج بوش در رابطه با ایران تشکیل میدادند، اشاره کرده است. وی می گوید که این افراد خواهان ارسال یک گروه به ایران و ملاقات با نمایندگان مجلس بودند و همگی میدانستند که کلید این قضیه دست محمد جواد ظریف است. گاردینر اظهار داشت که دنیس کاسینیچ (Dennis J. Kucinich) یکی از نمایندگان دموکرات کنگره رابطه بسیار خوبی با جواد ظریف داشت. سفر صلح طلبان به ایران و نقش لیلا زند و کاسمی: همزمان با تلاش های ظریف و پارسی (و متحدان امریکائی آنان) برای صلح طلب نشان دادن رژیم، سازمان کاسمی (کارزار مبارزه با جنگ و تحریم علیه ایران) در پروژه ایکه مشترکا به همراه لیلا زند (سازمان رهپویان صلح) و در همکاری نزدیک با رحیم مشائی معاون احمدی نژاد به راه انداخته بود، صدها تن از فعالان صلح امریکا را به ایران فرستاد تا طی سفرهای سازماندهی شده و ضمن ملاقات با افراد از پیش تعیین شده، روی آمادگی رژیم برای صلح و دوستی تبلیغ کنند و گناه خصومت بین دو کشور را به گردن جرج بوش و سیاست های جنگ طلبانه وی بیندازند. من در گزارشات متعددی این پروسه را مورد بررسی قرار داده ام که برای نمونه میتوانید این سه گزارش را مورد مطالعه قرار دهید: رابطه حکومت ایران با جنیش ضد جنگ در امریکا: بخش نخست ۱۴، بخش دوم ۱۵، بخش سوم ۱۶. - (برای شناخت با سازمان لابی کاسمی و همچنین رابطه آن با نایاک به این سند نگاه کنید ۱۷)

قابل ذکر است که همایش اخیری که احمدی نژاد و دفتر ریاست جمهوری در ماه اگست ۲۰۱۰ در تهران تحت نام همایش ایرانیان خارج از کشور به راه انداخت، به روشن ترین شکل به وابستگی کاسمی و لیلا زند و صلح طلبان دروغین به دفتر احمدی نژاد را آشکار نمود زیرا رهبران سازمان مزبور و همچنین لیلا زند از جمله برگزار کنندگان جلسه های جانبی این کنفرانس بودند و نه به عنوان مهمان بلکه در جایگاه میزبان، به پذیرائی از ساندیس خورهای خارج از کشوری رژیم پرداختند. برای آشنائی با این موضوع، این سند را مطالعه فرمائید: همایش ساندیس خوران خارج از کشوری و همکاری سازمان کاسمی با دفتر احمدی نژاد - تلاش برای مشروعیت بخشیدن به خامنه ای و احمدی نژاد از سال ۲۰۰۷ به بعد، احمدی نژاد کارزار گسترده ای برای کاهش نفوذ جناح رفسنجانی و خاتمی در امریکا به راه انداخت و اولین گام، هاله اسفندیاری و چند نفر از همکاران وی را دستگیر و زندانی نمود. این پاکسازی خشن، به دلالتان حرفه نی رژیم و طرفهای امریکائی نشان داد که از این پس، صاحب اصلی قدرت و طرف معامله در هر بده و بستان، نزدیکان احمدی نژاد هستند. بدین ترتیب، گفتمان حاکم نیز در میان کارشناسان امریکائی طرفدار همزیستی با رژیم ایران عوض شد. تا آنزمان، احمدی نژاد به عنوان شخصیتی تندگو و بی قدرت معرفی میشد و علی لاریجانی و نزدیکان خامنه ای به عنوان تعیین کنندگان سیاست خارجی رژیم تلقی میشدند. از سال ۲۰۰۸ به بعد، در اکثر نوشته ها و تحلیل های سیاسی در مورد ایران، گفتمان جدیدی شروع شد که مضمون اصلی آن تثبیت رژیم و قدرتمندی احمدی نژاد بود. این گفتمان جدید در گزارش مشترک دو مؤسسه تحقیقی بانفوذ امریکائی یعنی شورای روابط خارجی و بروکینگز به صورتی آشکار مشاهده میشود. این گزارش که بصورت کتاب ۱۹ و خطاب به رئیس جمهور بعدی امریکا نوشته شده بود، گسستی بود از تحلیل های قبلی که تحولات درونی رژیم ایران و رشد میانه رو ها یا پراگماتیست ها را کلید حل مشکلات بین ایران و امریکا میدانست.

دو نویسنده بخش سوم این کتاب که به ایران اختصاص داشت، سوزان مالونی و ری تکیه بودند که در نوشته خود به اشتباه گذشته خویش یعنی تبلیغ روی مذاکره با اصلاح طلبان رژیم اعتراف کرده و خواهان گفت و گو و تماس با ولی فقیه و احمدی نژاد شدند. این دو نویسنده، رژیم ایران را باثبات و آماده سازش معرفی نمودند. در گزارش مهم دیگری ۲۰ که توسط انستیتوی صلح آمریکا منتشر شد و برای تهیه آن معروفترین کارشناسان مسائل ایران (عمده طرفدار سازش با رژیم ایران) همکاری کرده بودند، باز هم روی تماس و مذاکره با ولی فقیه و احمدی نژاد تأکید شده بود. در سال ۲۰۰۷ سازمان نایاک گزارش مفصلی ۲۱ در باره چشم انداز مذاکرات ایران و آمریکا منتشر نمود که در آن، رژیم را با ثبات معرفی کرد و تأکید نمود که مردم ایران به دنبال تغییر رژیم نبوده و تمایل دارند تا در چهارچوب همین نظام به طور اصلاح طلبانه مطالبات خودشان را دنبال کنند. یکسال بعد، تریتا پارسی همین گزارش را به امضای ۲۰ نفر از کارشناسان طرفدار ممانعت با ایران فرستاد که من جمله میتوان به گری سیک و هادی قائمی اشاره نمود. در این گزارش ۲۲ نیز روی ثبات رژیم و رویگردانی مردم از تغییر نظام تأکید شده بود. دیدار با نمایندگان احمدی نژاد ۲۳ از پایان سال ۲۰۰۷ به بعد و تثبیت احمدی نژاد، تلاش های تریتا پارسی و متحدان وی برای راه اندازی ملاقات بین سیاستمداران امریکائی با نمایندگان رئیس جمهور رژیم ایران شروع شد. روال کار بدینگونه است که یک مؤسسه بین المللی بیطرف به عنوان برگزارکننده این دیدارها تعیین میشود و بودجه آن توسط بنیادهای امریکائی طرفدار ممانعت با ایران پرداخت میشود. در مرحله بعد، دلالتان رژیم تلاش خود برای کشاندن پای سیاستمداران امریکائی به این دیدارها را شروع میکنند. از اینرو، مؤسسه ای به نام Pugwash برای برگزاری این جلسه ها انتخاب شد و تریتا پارسی و دوستانش برای جذب طرفهای امریکائی وارد عمل شدند. به چند ایمیل از مسؤولین سازمان نایاک به اعضای کنگره برای کشاندن آنها به ملاقات با رحیم مشائی و هاشمی ثمره نگاه میکنیم. دیدار با هاشمی ثمره و علی اصغر سلطانی - اگست ۲۰۰۸ لاهه: در ایمیلی که روز ۱۷ اگست بین تریتا پارسی و علی اصغر سلطانی رد و بدل شده، هر دو نفر از دیدارشان در لاهه ابراز رضایت و خوشوقتی کرده اند. پارسی در شهادت رسمی خود گفت که هاشمی ثمره (نزدیک ترین فرد به احمدی نژاد) در این دیدار که روزهای دوم و سوم اگست برگزار شده، شرکت کرده است. جزئیات این دیدار و نام بقیه شرکت کنندگان آن، در گزارشات بعدی تقدیم میشود.

دیدار با رحیم مشائی در نیویورک: امیلی بلات Emily Blout که مسؤول لابی نایاک بود، در ایمیلی که در تاریخ ۱۷ سپتامبر ۲۰۰۸ برای دستیار سناتور Durbin فرستاده، از وی میخواهد که برای دیدار با رحیم مشائی و چند مقام دیگر رژیم ایران به نیویورک بیاید. وی می نویسد:

"مایلم که به اطلاع شما برسانم که هفته آینده در نیویورک فرصتی برای دیدار بسیار سطح بالا بین ایران و آمریکا وجود دارد. PugWash برگزارکننده آن است و از ما خواسته تا با اعضای کنگره برای شرکت در این دیدار تماس بگیریم و من فوراً به یاد شما افتادم. اگر شما چند دقیقه فرصت داشته باشید، رئیس من (تریتا پارسی) تلفنی شما را در جریان جزئیات این دیدار قرار خواهد داد. رئیس من سالهاست که در این گفتگوهای غیر رسمی شرکت داشته و میگوید که سطح مسؤولین ایرانی شرکت کننده در جلسه هفته آینده بسیار بالاست..." دستیار سناتور در باره سابقه این دیدار ها و برگزار کنندگان آن سؤال میکند و امیلی بلات در پاسخ می نویسد: PugWash "یک مؤسسه بین المللی بیطرف است که سابقه ای طولانی در برگزاری اینگونه دیدارها دارد. این دسته از دیدارها (بین ایرانیان و امریکائیان) مدتهاست که جریان دارد و تعدادی از نمایندگان کنگره نیز در آن شرکت کرده اند و برای دیدار هفته

آینده نیز چند سناتور ابراز تمایل کرده اند. این یک فرصت بسیار خوبی است که نباید از دست داد به خصوص اگر به تبادلات بین سازمانهای غیر دولتی با یکدیگر علاقه دارید. برداشت من این است که معاون رئیس جمهور ایران و چند مقام بالای دیگر در این دیدار حضور خواهند داشت اما خود احمدی نژاد حضور ندارد."

تریتا پارسی در شهادت رسمی خود گفت که وی به همراه یک گروه از وابستگان مؤسسات تحقیقی و بنیادهای امریکائی در نیویورک با احمدی نژاد دیدار کرده اند.

دیدار با هاشمی ثمره - دسمبر ۲۰۰۸ در شهر وین: امیلی بلات مسؤول لابی نایاک در ایمیلی به دستیار نماینده کنگره Delahunt وی را برای شرکت در دیداری که قرار است در ماه دسمبر برگزار شود دعوت میکند:

"رئیس من (تریتا پارسی) خواسته که در مورد دعوتی که وی از شما برای شرکت در دیدار غیر رسمی با ایرانیان در دسمبر در شهر وین است پیگیری کنم. وزیر دفاع سابق ویلیام پری ریاست هیأت امریکائی را به عهده دارد و از طرف ایران نیز مسؤولین بالارتنه شرکت میکنند. این یک فرصت بسیار خوب است تا در این مذاکرات غیر رسمی و به دور از رسانه ها شرکت کنید."

امیلی بلات در ایمیل دیگری به دستیار نماینده کنگره جزئیات بیشتری در باره این دیدارهای پنهان در اختیار او قرار میدهد: "Pugwash از نایاک خواسته تا با نمایندگان کنگره برای شرکت در این دیدارهای غیر رسمی بین ایران و امریکا تماس بگیرد. Paolo Cotta Ramusino که دبیر کل این موسسه است برگزار کننده اصلی این جلسه هاست که نمایندگان کنگره امریکا و همچنین اعضای دولت ایران در آن شرکت داشته اند. رئیس من (تریتا پارسی) در برخی از این دیدارها شرکت داشته که یکی از آنها در اسرائیل بوده است. بنظر وی اینگونه دیدارها بسیار مفید هستند. در این دیدارها، در مورد مسائل هسته ای، عراق، امنیت منطقه و مسئله اسرائیل و فلسطین بحث میشود. هر دو طرف از شرکت در این دیدارها راضی هستند زیرا علی رغم اختلافاتی که باهم دارند، به درک بهتری از یکدیگر دست می یابند. دیدار بعدی که ۶ و ۷ دسمبر در وین برگزار میشود محرمانه است و هیچ جا در باره آن صحبت نخواهد شد. از طرف امریکا ویلیام پری و چند کارشناس دیگر شرکت میکنند. از طرف ایران، این بار نیز سطح شرکت کنندگان بسیار بالاست و معاون رئیس جمهور، سفیر ایران در آژانس اتمی و مسؤولان بالای وزارت خارجه در آن شرکت دارند."

تریتا پارسی در شهادت رسمی خود گفت که در این دیدار هاشمی ثمره شرکت داشته است.

دیدار در لیختن اشتاین، اپریل ۲۰۰۹: ایمیل ها و شهادت رسمی تریتا پارسی نشان میدهد که چند هفته قبل از انتخابات قلابی ریاست جمهوری، وی به همراه یک گروه از امریکانیان با یک هیأت ایرانی که از تهران به لیختن اشتاین سفر کرده بودند دیدار و گفتگو کرده اند. تریتا پارسی در بازگشت به امریکا، به مسؤولین شورای امنیت ملی امریکا ایمیل فرستاده و خواهان دیدار بین یکی از افراد هیأت ایرانی با تیم او باما بوده است. بناء به دلائلی که بعدا توضیح داده خواهد شد، نام این فرد و دیگر وابستگان حکومتی که در این دیدار شرکت داشته اند فعلا منتشر نخواهد شد. در شهادت تریتا پارسی و مکاتبات وی، دیدار بین مقامات ایرانی و اسرائیلی نیز ذکر شده است که در گزارشات بعدی مورد بررسی قرار میدهم.

پانویست ها:

۱- نامه های محرمانه او باما به خامنه ای - سایت تابناک <http://www.tabnak.ir/fa/news/۲۶۲۵۰۷>

- میهمانی شام هیلاری کلینتون - سایت ایرانیان

لابی <http://www.iranianlobby.com/pageWeblog.php?id=۱>

۳- همکاری نایاک با لابی کمپانی های بزرگ امریکا

http://www.iranian-americans.com/docs/NIAC_USAE.pptx

۴- نگاهی به مذاکرات ایران و امریکا در باره افغانستان و عراق

<http://www.iranian-americans.com/docs/Iraq.pdf>

۵- مقاله هیلاری من لورت

http://www.thewashingtonnote.com/archives/01/hillary_mann_le_۰۱/۲۰۰۹

۶- مذاکرات پنهان ایران و امریکا از ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۸

<http://www.iranian-americans.com/docs/Rafsanjani.pdf>

۷- مجموعه اول در باره لابی ممانشات <http://www.iranian-americans.com/docs/CNAPI.pdf>

۸- مجموعه دوم در رابطه با لابی ممانشات از سایت "پیک"

<http://www.iranian-americans.com/04/۲۰۱۰/html۱۹۱۱>

۹- مکاتبات تریتا پارسی با محمد جواد ظریف سفیر جمهوری اسلامی در سازمان ملل (سایت پیک)

<http://www.iranian-americans.com/۱۲/۲۰۰۹/html۱۶۴۹>

۱۰- پروژه مذاکره با جمهوری اسلامی توسط تریتا پارسی و گارت پورتر

<http://www.iranian-americans.com/docs/NegotiationProject.pdf>

۱۱- مقاله گارت پورتر در سایت "آنتی وار"

<http://www.antiwar.com/orig/porter.php?articleid=۹۰۴۰>

۱۲- مقاله گلن کسلر در واشنگتن پست

<http://www.washingtonpost.com/wp->

<http://www.washingtonpost.com/wp-dyn/content/article/2006/06/17/AR۱۷/۰۶/۲۰۰۶dyn/content/article/>

۱۳- کنفرانس مشترک نایاک و بنیاد امریکای جدید

http://www.niacouncil.org/images/PDF_files/niac_feb_conference.pdf

۱۴- رابطه جنبش ضد جنگ با رژیم ایران، بخش اول

<http://www.iranianlobby.com/page۵۲.php?id=۱>

۱۵- رابطه جنبش ضد جنگ با رژیم ایران، بخش دوم

<http://www.iranianlobby.com/page۵۳.php?id=۱>

۱۶- رابطه جنبش ضد جنگ با رژیم ایران، بخش سوم

<http://www.iranianlobby.com/page۵۶.php?id=۱>

۱۷- سازمان کاسمی و رابطه با نایاک <http://www.iranian-americans.com/docs/CASMI.pptx>

۱۸- همایش ساندیس خوران خارجه نشین و نقش سازمان کاسمی

<http://www.iranian-americans.com/docs/Hamayesh.pdf>

۱۹- Middle East Strategy for the Next Restoring the Balance: A

President

http://www.brookings.edu/~media/Files/Projects/sabancfr/restoring_the_balance_summaries.pdf

۲۰- گزارش ۲۰۰۹ موسسه ملی صلح امریکا <http://www.unausa.org/Document.Doc?id=۴۳۸>

۲۱- گزارش نایاک در باره اوضاع ایران

http://www.niacouncil.org/images/PDF_files/seveniran.pdf

۲۲- بیانیه ۲۱ نفر از کارشناسان ایران در سال ۲۰۰۹ [http://americanforeignpolicy.org/about-](http://americanforeignpolicy.org/about-us/joint-statement)

[us/joint-statement](http://americanforeignpolicy.org/about-us/joint-statement)

۲۳- اسناد دادگاه در باره مذاکرات پنهان بین امریکا با نمایندگان احمدی نژاد [http://www.iranian-](http://www.iranian-americans.com/docs/Negotiation.pdf)

[americans.com/docs/Negotiation.pdf](http://www.iranian-americans.com/docs/Negotiation.pdf)

تاریخ خبر: چهارشنبه ۱۸ اسفند ۱۳۸۹ - کدخبر: ۸۰۳۳۸